



نظری با اعلامیه حقوق بشر - ماده بیست و ششم

۲۲) اسلام و فرهنگ (۴)

پیکار همه جانبه با

## اهر یمن جهل و بیسوادی

اسلام در پیکار همه جانبه خود ، علیه جهالت و بیسوادی ، روشی را انتخاب کرده که با ادامه آن ، طبعاً تمام سدها ئیکه در سر راه همگانی شدن فرهنگ وجود داشته ؛ شکسته میشود ، و هر گونه موانعی که ممکن است از تعمیم آن ، جلوگیری بعمل آورد ، رفع میگردد ، در نتیجه ، همه مردم ، از نعمت سواد و دانش ، برخوردار خواهند گردید .

وما اکنون ، سدها و موانعی را که در سر راه پیشرفت و همگانی شدن فرهنگ ، وجود داشته و اسلام ، آن سدها را شکسته و آن موانع را برداشته است ، ذیلامورد بررسی قرار میدهیم ، تا معلوم گردد که اسلام ؛ چه سهم بزرگی در پیشرفت و تعمیم فرهنگ ، داشته و دارد .

۱- فرا گرفتن دانش ، بر همه کس ، فرض و لازم است .

اسلام ، برخلاف آنهاییکه خیال میکردند ، دانش و فرهنگ ، فقط بایستی در انحصار گروه خاصی باشد ، تنها اشراف زادگان و فرزندان ثروتمندان میتوانند از نعمت سواد و دانش ، برخوردار شوند ؛ اما فرزندان بینوایان و طبقات دیگر ، حق تعلیم و تربیت ندارند ، صریحاً اعلام میکنند که : «**طاب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة**» یعنی : تحصیل دانش ، بر هر فرد مسلمانی ، خواه زن ، و خواه مرد ، واجب است ، (۱) .

از امام هفتم ؛ پرسیدند : «**آیا مردم میتوانند و حق دارند ؛ درباره علومیه که بان نیازمندند ، از دانایان ، سؤال نکرده و درصدد تحصیل آن بر نیایند ؟**» .  
امام فرمود : خیر ، بلکه موظفند سؤال کرده و درصدد تحصیل آن ، بر آیند » (۲) .

امام ششم ، میفرماید : «**آن مردمی هلاک میشوند که نیازمندیهای خود را از دانایان ؛ سؤال نمیکند**» (۳) .

طبق عبارات فوق ؛ نه تنها هیچگونه مرز و محدودیتی برای تحصیل دانش ، و باسواد شدن

(۱) بحار الانوار ج ۱ ص ۱۷۷ (۲) اصول کافی ج ۱ ص ۳۰ .

(۳) اصول کافی ج ۱ ص ۴۰ .

مردم از نظر اسلام؛ وجود ندارد، بلکه تمام افراد ملت، بدون هیچگونه امتیازی، موظفند که درصدد کسب علم؛ و بالا بردن سطح دانش خویش برآمده و از این گنج شایگان که مایه سربلندی و عزت ملتهاست، بهره مند گردند.

و هر گاه از زیر بار این تکلیف عمومی (تحصیل دانش) شانه خالی شود، و مردم از فرا- گرفتن علمی که بآنها نیازمندند، (خواه معلومات عمومی، و خواه رشته های تخصصی و فنی که بشکل «**وجوب کفائی**» بر ملت اسلام فرض است) سر باز زنند، در آنصورت، نه تنها سند بدبختی و ذلت و سقوط خودشان را بادست خودشان، امضاء کرده اند، بلکه بایستی منتظر سخط خدا و کیفر کردار ناستوده ای که مرتکب شده اند باشند.

### ۲ - احتکار دانش ممنوع است

از جمله عوامل محدودیت فرهنگ، و عدم تعمیم آموزش و پرورش، اینست که دانیان و باسوادها؛ معلومات و دانش خود را احتکار کرده از تعلیم بدیگران، بخل ورزند. همانطوریکه در سابق تذکر دادیم، این روش، در میان اقوام و ملل گذشته رایج بوده و هم اکنون میدانیم که کشورهای بزرگ نیز، حاضر نیستند، بسیاری از علوم و دانش خود را در اختیار دیگران گذارده و باصطلاح «**اسرار علمی**» خود را که یک نوع امتیاز بین-المللی برای آنها شمرده میشود، فاش سازند!!!

ولی اسلام، برای آنکه همه مردم، از نعمت سواد و دانش، بهره مند گردند، بر افراد تحصیل کرده، و باسواد، فرض و لازم شمرده که معلومات خود را «**از باب نیکو کاری**» بدیگران یاد داده و از احتکار دانش؛ احتراز نمایند.

امام باقر (ع) میفرماید: «**زکوة دانش**، اینست که آنرا بدیگران تعلیم دهی» (۱).

از امام ششم نقل شده که فرموده: و در کتاب علی علیه السلام خواندم که: **خداوند، پیش از آنکه از نادانان، پیمان فرا گرفتن دانش را بگیرد، از دانشمندان و دانیان پیمان گرفته که معلومات خود را بآنان، تعلیم دهند، (۲).**

پیغمبر اسلام میفرماید: «اگر کسی از عالمی طلب دانش کند، او از تعلیم وی خودداری نماید، خداوند، در قیامت، لگامی از آتش، بردهن او خواهد زد» (۳).

و باز از آنحضرت نقل شده که فرمود: «بهترین صدقه دانشی است که آدمی آنرا تحصیل کند، و آنگاه به برادر مسلمانش، تعلیم دهد» (۴).

از نظر اسلام؛ نه تنها دانشمندان، حق ندارند، دانش خود را احتکار کنند، بلکه بنا بر عقیده بسیاری از فقهاء حتی نمیتوانند در مقابل دانشی که بمردم میآموزند،

(۱-۲) کافی ج ۱ ص ۴۱ (۳-۴) نهج الفصاحه ص ۵۸۶ - ۷۶.

(در صورتیکه یاد گرفتن آن علوم برای مردم ، واجب باشد) اجرتی دریافت نمایند و باید معلومات خود را بطور رایگان ، در اختیار دانش پژوهان قرار داده و در صورت عدم تأمین معیشت ، وظیفه دولت اسلام است که مخارج زندگی آنان را تأمین نماید .

### ۳ - تحصیل دانش ، زمان خاصی ندارد

گرچه تحصیل دانش ، از زمان کودکی ، هم راحت تر است و هم اصولی تر و لذا در روایات ما از پیشوایان دین ، آمده است «از جمله حقوق فرزندان ، بر پدر و مادر اینست که بآنها خواندن و نوشتن ، بیاموزند و **و يعلمه الکتابه**» (۱) و در فلسفه آن هم فرموده اند : چیزی که آدمی در کودکی میآموزد ، مانند نقشی است که روی سنگ ترسیم شده باشد «**العلم من الصغر کما نقش فی الحجر**» (۲) و اصولاً قلب کودک ، مانند زمین خالی و شایسته ای است که هر نوع بذری را می پذیرد (۳) .

ولی باید توجه داشت که دوران تحصیل ، مرزی ندارد ؛ و منحصر بزمان کودکی و جوانی نیست . تا آدمی زنده است بایستی از فرا گرفتن دانش ، کوتاهی نکند ، یعنی همانطوریکه نخستین پیشوای اسلام فرموده «از آغاز زندگی تا پایان آن دانش بطلب (۴)» «**طلب العلم فریضة علی کل حال**» (۵) در صدد تحصیل دانش و فرا گرفتن علم باشد .

روی همین تعلیم و تربیت خاص بود که در شرح زندگانی گروهی از دانشمندان اسلامی ، میخوانیم که : پس از سپری شدن دوران جوانی ، بفکر تحصیل دانش ، افتادند و در سایه جدیت و استقامت ، مقام علمی ای بس ارجمند ، پیدا کردند ، مانند «**سکاکي**» (۶) صاحب کتاب معروف «**مفتاح العلوم**» .

و همچنین در حالات بعضی دیگر از آنها نوشته اند که : تادم مرگ ، بمطالعه و تعلیم و تعلم ، اشتغال داشته اند .

مثلاً در باره «**جاحظ**» که یکی از بزرگترین دانشمندان و ادیبان نامی اسلام است ، میخوانیم : **جاحظ** . در حالیکه کتاب روی سینه اش بود جان سپرد ، (۷) .  
و نیز ، در باره «**ابوریحان بیرونی**» که یکی از نامورترین حکماء و ریاضی دانان معروف اسلام است ، نوشته اند ، او در بستر مرض افتاده بود ، یکی از فقهاء زمان که با او از پیش دوستی داشته ، بمیادتش می رود ، «بیرونی» از او درباره یکی از مسائل «ارث» سؤال میکند ، فقیه ، برای رعایت حال او از جواب ، خودداری مینماید و میگوید ، «**اکنون ، چه جای**

(۱) مکارم الاخلاق ص ۱۱۶ (۲ - ۳) بحارج ص ۲۲۴ - ۲۲۳ .

(۴) نهج الفصاحه ص ۶۴ (۵) بحارج ص ۱۷۲ .

(۶) مراجعه شود بروضات الجنات (۷) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید .

این سؤال است؟ « بیرونی، باومیکوید : «ای دوست ، کدام يك از این دو بهتر است ، این مسأله را بدانم وبمیرم ، یا نادانسته و جاهل درگذرم؟! » .  
 قیبه ، پاسخ مسأله را میدهد ، و از خانه او خارج میشود ، پیش از آنکه بخانه خود برسد ، شنید که صدای شیون از خانه «بیرونی» بلنداست ، برگشت ، دید : او برای ابد ، چشم از این جهان ، فرو بسته است ! (۱) .

۴ - مشکلات زندگی و دوری راه ، نباید مانع فرا گرفتن دانش باشد . درست است هر کاری دشواریها و موانع . در پیش دارد ، ولی تحصیل دانش ، از همه چیز ، بیشتر ، مواجه با مشکلات و موانع میشود ؛ فقر مالی از یکطرف ، دسترسی نداشتن با سائید و ورزیده از طرفی دیگر ، رنج مسافرت و غربت را تحمل کردن ، و مانند اینها ، موانعی هستند که چه بسا افراد را از رسیدن به مقصود باز میدارند ، ولذا گفته اند : « از برای هر چیز آفتی است ، و برای کسب دانش ، آفتها است » ولی اسلام میکوید : برای بدست آوردن گوهر دانش ، با همه این موانع و مشکلات ، باید جنگید .

امام چهارم میفرماید : هر گاه مردم ارزش دانش را میدانستند ، هر آینه برای بدست آوردن آن ، حاضر میشدند ، بهر آب و آتشی داخل شوند ، (۲) .

پیغمبر اسلام ، میفرماید : « اطلب العلم ولو بالصین ، یعنی : دانش را فرا گیرید ، ولو آنکه رنج مسافرت بکشوری مانند چین را (که آنروز ، محل دوردستی ، بشمار میآمده) تحمل نمائید » (۳) .

امام ششم نیز میکوید : « دوست دارم ، با تازیانه بر سر دوستانم ، کوبیده شود ، ولی آنها از تحصیل دانش ، بازمانند » (۴) .

#### ۵ - از هر کسی که ممکن شد ، بایستی کسب دانش نمود

شکی نیست که مهارت و ورزیدگی استاد ، در پیشرفت و شخصیت علمی شاگرد ، مؤثر است ولذا اسلام میکوید : شخص دانشجو نباید ، در تحصیل دانش ؛ مقید باشد که از شخص خاصی کسب معلومات نماید ، بلکه او باید حساب کار خود را برسد و ببیند که گمشده خود را در کجا و پیش کی بهتر میتواند پیدا کند ، خواه آن استاد مسلمان باشد ؛ و خواه غیر مسلمان .

اینست که پیغمبر اسلام (ص) میفرماید : « الحکمة ضالة المؤمن ، فحیث وجدها فهو احق بها یعنی : دانش نافع و مفید ، گمشده مؤمن است ، هر جا که آنرا بیابد ، بان سزاوار تر است » (۵) .

علی علیه السلام نیز ، میفرماید : « الحکمة ضالة المؤمن ، فخذ الحکمة ولو

(۱) لغت نامه دهخدا ج ۱ ص ۴۶۱ (۲) کافی ج ۱ ص ۳۵ . (بقیه در صفحه ۷۱)

(۳) بحار ج ۱ ص ۱۷۷ (۴) التاج ، ج ۱ ص ۶۴ .

## پاسخ به مشکلات خوانندگان

\* منظور از اینهمه قربانی در مراسم حج چیست ؟  
\* چرا خداوند به يك سلسله از موجودات قسم  
یاد کرده است ؟  
\* چرا باید زنان در حال نماز بدن خود را  
پوشانند ؟

### سؤال اول

آقایان: عبدالرضا متوسلی دانشجوی مؤسسه عالی حسابداری و محمود سعیدی از تهران سؤال میکنند: منظور از قربانی در روز عید قربان در سرزمین «منی» چیست ؟ باینکه بسیاری از قربانیها به مصرف صحیح نمیرسد و در دل خاک دفن میشود .

### پاسخ

یکی از اعمال حج در روز دهم ذیحجه الحرام ، اینست که حیوانی را در منی قربانی کنند و این يك فريضة قطعی و دستور صریح اسلام است و یکی از اسرار آن زنده کردن خاطره فداکاری را در مرد بزرگ الهی و قهرمان توحید حضرت ابراهیم خلیل الرحمان میباشد .

جریان فداکاری خلیل الرحمان اینست که خداوند برای امتحان و اثبات لیاقت و احراز پایه فداکاری وی باو دستور داد فرزند خود را در سرزمین «منی» در راه خدا ذبح نماید ، (البته این فرمان يك فرمان جدی و حقیقی نبوده ، بلکه امر آزمایشی و برای احراز و اثبات شایستگی آن مرد الهی بود و لذا هنگامیکه وی آماده اطاعت گردید ؛ دستور آمد که بجای فرزند خویش گوسفندی را ذبح نماید )

آمادگی و همپا گشتن وی برای اطاعت دستور خداوند ، ثابت کرد که روح اخلاص و اطاعت ، روح جانبازی و فداکاری در او آنچنان قوی و نیرومند است ؛ که میتواند در پرتو ایمان ، بر همه چیز حتی بر عواطف و احساسات عمیق و ریشه دار پدران ، پیروز آید و برای يك هدف عالی و معنوی از فرزند خویش بگذرد .

زائران خانه خدا با کشتن حیوانی در سرزمین «منی» خاطره اخلاص و قدرت ایمان ، و پایه فداکاری او را در دلها زنده میسازند ، و از این رهگذر ، بیکی دیگر درس فداکاری و جانبازی می آموزند ، و گویا عمالچنین میگویند که مرد خدا کسی است که در راه خدا از همه چیز بگذرد چنانکه آن مرد بزرگ گذشت این گوشه ای از اسرار قربانی روز منی است اکنون باید دید نظر اسلام در این گوشتهای قربانی چیست ؟ آیا مسلمانان در این باره وظیفه ای دارند ؟

ما برای دریافت پاسخ این پرسش به کتاب آسمانی خود «قرآن مجید» مراجعه کرده و می بینیم که در سوره حج به کلیه کسانی که در روز عید قربان در منی حیوانی را قربانی میکنند چنین

دستور میدهد .

**و اطعموا البائس الفقير** ( حج ۲۸ ) یعنی از گوشت قربانی درمندگان را اطعام کنید .

و نیز میفرماید : **فكلوا منها و اطعموا القانع والمعتر** ( حج ۲۶ ) یعنی از گوشت قربانی ، خودتان بخورید ، و بیچارگان و سائلان را اطعام کنید . مراجع تقلید در رساله‌های عملیه دستور میدهند که حجاج گوشت قربانی را سه قسمت کنند و آنرا در موارد مخصوص مصرف نمایند .

اینهمه دستورات صریح ، حاکی است که منظور از کشتن این حیوانات علاوه بر يك سلسله فواید معنوی که در بالا تذکر داده شد ، اینست که این ذبائح بصرف صحیح برسد و انسان فقیر و درمانده ، بیچاره و تهی دست از آن بهره‌مند گردد .

اکنون وظیفه حجاج مسلمان و دولتهای اسلامی این است که ترتیبی دهند که از این گوشتهای بطرز صحیحی بهره برداری شود و این وظیفه اسلامی با سائر اهداف آن هماهنگ گردد امروز میتوان با تأسیس سردخانه مجهز از اینکه این گوشتهای در دل خاک دفن شوند جلوگیری نمود تا بطور تدریج در مواردی که قرآن مجید بیان فرموده مصرف شود .

در زمانهای گذشته که شماره حجاج باین اندازه نبود ، گوشتهای قربانی در همان روز بطرز صحیح به مصرف میرسید ، ولی امروز که بر اثر تسریع وسائل نقلیه شماره زائران فزونی یافته ، باید به ابزار و وسائل مدرنی دست زد ، و رفاه زائران و اهداف اسلامی را در نظر گرفت و این وظیفه دولتهای اسلامی و ملتهای غیر مسلمان است که به آرمانهای اسلامی جاه عمل بپوشانند و از هر گونه تبذیر و اسراف جلوگیری نمایند و اگر در این راه هم اشکال پیش آید تقصیر متوجه مسلمانان است نه قانون خدا .

## سؤال دوم :

آقای عبدالله یعقوبی از ما میپرسند: چرا خداوند در قرآن مجید به موجودات زیادی مانند ماه و آفتاب و ... سوگند یاد میکند ، ولی بشر نباید بغیر خداوند قسم بخورد و اگر سوگند یاد کند کفاره ندارد .

## پاسخ

سوگند خداوند به موجودات مزبور ، برای بیدار کردن حس کنجکاوی ما است ، زیرا تمام ملل جهان به موجوداتی سوگند یاد میکنند که خطیر و با اهمیت باشد ، قسم خداوند به يك سلسله موجوداتی مانند آفتاب و ماه ، روز و شب ، انسان و حیوان ، درخت و گیاه ، حاکی از عظمت فوق العاده آنهاست ، که صلاحیت آنها دارند که خداوند بزرگ بآنها سوگند یاد کند و در این لحظه حس کنجکاوی ما پس از شنیدن قسمهای فوق . ما را وادار میکند که در پیرامون آنها به دقت و تحقیق بپردازیم ، و در حقایق و ماهیت و آثار و خواص آنها بیش از پیش در فکر فرو رویم . بررسی و مطالعه اینگونه موجودات دوفائده اساسی در بر دارد :

۱ - در پرتو فکر و مطالعه ؛ بسیاری از اسرار و فواید مادی و طبیعی آنها برای بشر روشن می شود ، و نیز او می تواند از آنها در زندگی دنیوی خود حداکثر استفاده را بنماید ، اگر امر و زوی به بسیاری از قوای جهان ماده دست یافته و نیروهای زیادی را تسخیر کرده و بزنگی ؛ سهولت و طراوت خاصی بخشیده است همگی معلول کنجکاوی ورنجهائی است که دانشمندان در طریق تسخیر قوای طبیعت بر خود هموار ساخته اند .

۲ - بررسی نظام آفرینش ، مطالعه در نظام خورشید و ماه ، در پدید آمدن روز و شب ، در پیدایش درخت و گیاه ، در گردش اقمار و ستارگان و . . . آنچنان وجود خدا را در نظر ما روشن و قطعی می سازد که عقل و شعور هیچکس باور نمی کند که این نظام شگفت انگیز ، بدون خالق دانا و توانا ، بدون دخالت عمل و نقشه بوجود آمده باشد

ولی نکته ای که از قسم بغیر خدا نهی شده است ، اینست که سوگند بغیر او خالی از بوی شرک نیست ، زیرا ما در صورت ضرورت مأوریم به خدا سوگند یاد نمائیم ، هر گاه ما در این زمینه و یا غیر آن ، بغیر ذات او سوگند یاد کنیم ، بنظر چنین میرسد که ما موجودات را در ردیف او قرار داده ایم از این نظر در برخی از روایات وارد شده است که « لا یحلف بغیر الله » یعنی نباید بغیر خدا سوگند یاد کرد .

حتی در برخی از قسمتها که بغیر خدا یاد میشود از نظر علما و اسلام حرام است و تفصیل این قسمت در کتب فقهی موجود است (۱)

### سؤال سوم :

دوشیزه ن م - الهام ، از آبادان می پرسد چرا زنان باید در حال نماز بدن خود را بپوشانند در صورتیکه خداوند از آشکار و نهان هر موجودی آگاه است .

**پاسخ :** بهترین حالت برای زن همان حالت عفت و پوشیدن خود از نامحرم ، و بزرگترین سرمایه زن همان عفت ، است از این نظر اسلام دستور داده که زنان ، خدا را در بهترین حالات عبادت نمایند ، و بانکوترین وضع در برابر خداوند بایستند ، هنگام عبادت یکی از بهترین حالات انسانی است پس چه بهتر بانکوترین حالت زن توأم و هماهنگ گردد .

حتی در مورد مردان مستحب است که علاوه بر مقدار واجب بدن خود را بپوشانند یعنی با لباسی که با اشخاص محترم روبرو میشوند ، نماز بخوانند ، حتی دستور داده شده که بایک لباس و یایک پیراهن تنها نماز نخوانند ، علاوه بر لباس زیر لباس روراهم بپوشند این دستورات حاکیست که انسان باید خدا را در بهترین حالت عبادت کند .

ایشان سؤالات دیگری نیز دارند از آنجا که جنبه عمومی ندارد اگر آدرس روشن خود را بنویسند پاسخ خصوصی بآنها داده خواهد شد .

(۱) بوسیلة النجاة مرحوم آیت الله اصفهانی ص ۲۰۳ مراجعه شود.



## انسان بیست میلیون ساله کشف شد!

نایروبی (کنیا) - رویتر - دکتر «لوئیس لیکی» یکی از زیست شناسان مشهور، روز شنبه اعلام کرد که وی اسکلت قدیمی ترین بشر را که متعلق به ۱۹۹۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ میلیون سال قبل میباشد کشف کرده است.

این انسان تازه ای که کشف شده و دکتر «لوئیس» او را «کنیا پیتمسوس آفریقا نوس» نامیده است از لحاظ سن حداقل دو برابر «کنیا پیتمسوس ویکری» انسانی که وی قبلاً کشف کرده است قدمت دارد، شش سال قبل «کنیا پیتمسوس ویکری» بعنوان قدیمی ترین عضو خانواده ای شناخته شد که بشر از نسل آن بوجود آمده است، فسیل اخیراً در لیکی در جزیره روزینگا واقع در دریاچه ویکتوریا، در نزدیکی «کیزومو» (۴۸۰ کیلومتری غرب نایروبی پایتخت کشور آفریقای کنیا) پیدا کرده است.

وی در نشریه علمی «طبیعت» مقاله ای نیز در این مورد نوشته است قطعات استخوانهایی که پیدا شده است متعلق به یازده مرد، زن و بچه میباشد و از طرف انسان شناسان مشهوری از قبیل «دکتر جک میلر» استاد دانشگاه کمبریج «پرفسور گارینس کورتیس» و «دکتر جک ایوانیدن» تصدیق شده است که متعلق به ۱۹۹۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ میلیون سال قبل میباشد.

(اطلاعات شماره ۱۲۱۸۱)

مکتب اسلام میدانیم که تا اوایل قرن بیستم، نظریه داروین مبنی بر اینکه انسان اشتقاق یافته از نوعی میمون است در جهان سر و صدای فراوان بپا کرده بود، در سالهای اخیر با پیشرفت علوم، این نظریه و نظریه های مشابه دچار تزلزل شده است.

بنا باظهار طرفداران مکتب تکامل، قدیمترین انسان کشف شده حداکثر در نیم میلیون سال قبل زندگی میکرد در حالیکه امروز ثابت شده اجداد اولی انسان، میلیونها سال جلوتر از این تاریخ زندگی میکرد است و اجداد اولی انسان میلیونها سال قبل از میمون هائی که داروین آنها را جدبش فرض نموده بود پا بزندگی گذاشته اند.



آیا این کشفیات پی در پی و تغییراتی که همواره در دانش بشری رخ میدهد ثابت نمیکند که چون این مکتبها همواره بر اساس یک سلسله فرضیات منکی بمطالعات و کشفیات موجود هستند ممکن است با گذشت زمان در پر تو کشفیات جدیدی تغییر شکل دهند و یا بکلی بی اساس شناخته شوند، بدینجهت هرگز نمیتوان روی آنها بعنوان يك قانون ثابت علمی و مسلم تکیه کرد و آنرا مبدع استنباطاتی در خارج از حوزه علوم طبیعی قرار داد .

## بلای بزرگ قرن ما !

### روزانه دوهزار نفر خودکشی میکنند !

بلای بزرگ قرن ما یعنی توسعه عجیب خودکشی حکایت از نابسامانی و بدبختی بزرگی میکند راستی **با این عدم تعادل شدید روحی بشر** بکجا میرود؟! سازمان بهداشت جهانی ( ام - او - اس ) طی یک اعلامیه رسمی اعلام داشت که در هر سال هفتصد هزار نفر ( تقریباً **دوهزار نفر در روز** ) در جهان دست بخودکشی میزنند ، علاوه بر این روزی سه میلیون نفر نیز اعلام انتحار مینمایند

در حال حاضر خودکشی یکی از ده «علت اصلی» مرگ و میر در کشورهای صنعتی مخصوصاً در میان جوانان بشمار میرود ، از هر سه دانشجوئی که در کشورهای صنعتی بدرو حیات می - گویند یک نفر آنها بر اثر خودکشی جان میسپارد .

این وضع وحشتناک ، سازمان جهانی بهداشت را وادار کرده است که برای جلوگیری از خودکشی بیک رشته مطالعات عمیق در کشورهای مختلف دست بزند .

«اطلاعات هفتگی شماره ۱۳۲۰»

**مکتب اسلام** شیوع سرسام آور خودکشی از تحفه های شوم زندگی صنعتی و خالی از روح و معنویت غرب است ، عوامل اجتماعی ، اختلافات خانوادگی و یا بیماریهای غیر قابل علاج و مانند اینها البته خودکشی را توسعه میدهند ولی در این مسئله يك واقعیت کاملاً جالب توجه است و آن اینکه طبق آمار ، میزان خودکشی در میان مردم با ایمان و پابند بمذهب بر مراتب کمتری - عقیده ها و یاسست عقیده ها است .

چندی قبل رئیس بخش مسمومین بیمارستان لقمان الدوله ادهم در تهران در پاسخ این سؤال که آیا بین کسانی که خودکشی میکنند و پیش شما بعنوان مسموم میاورند پابندی با اصول مذهبی هم دیده میشود ؟ گفتند :

در بین تمام کسانی که پارسال بقصد خودکشی خود را مسموم کردند و تعدادشان ۱۶۰۰ نفر

بود فقط يك نفر پابند مذهب دیده میشود که اونیز بعلت عدم تعادل روحی دست بخود کشی زده بود. آیا با وجود این آمارهای تکان دهنده باز هم در این تردیدی میماند که تقویت حس مذهبی، برای رها ساختن انسان امروز از پریشانیا و اضطرابهای روانی حیاتی ترین علاج است ؟ ما بارها گفته ایم که حس مذهبی نیرومند موجود در شرق برای ما گرانمایه ترین سرمایه است . باید کوشش کنیم این حس را مخصوصاً در میان طبقه جوان که متأسفانه بیش از همه قربانی این اضطرابها و پریشانیا های روحی هستند بیش از پیش بیدار و زنده سازیم ، اینجا است که بار دیگر بیاد حدیث پرارزشی میآقتیم که از امام صادق (ع) نقل شده آنجا که میگوید «ان المؤمن تموت بكل مية الا انه لا یقتل نفسه» افراد با ایمان ممکن است بانواع مختلفی جان بدهند ولی هرگز مرگ آنها از طریق خود کشی نخواهد بود.

## بانوان خانه دار سالم تر زندگی میکنند!

« بانوان خانه دار سالمتر زندگی میکنند » موضوع سخنرانی دکتر « استراوژنگبرک » در شانزدهمین کنگره جهانی طب ورزشی بود . دانشمند نامبرده در نتیجه مطالعات و تحقیقات مداوم باین نتیجه قطعی رسیده که یک بانوی خانه دار در حین جمع آوری رختخواب روزانه بطور معمول بیش از یکم در در کارگاههای مدرن امروز تحرک دارد ، نظر پزشکان بر اینستکه انسان امروزی بعلت (فقر تحرک) فاقد جریان خون ضروری برای سلامتی می باشد بعبارت دیگر خود کاری ماشین آلات و وسائل صنعتی ، مانع اینست که در کارگاهها و کارخانجات ، نیروهای بدنی بیشتری بکار رود .

بنابراین بانوان خانه دار بمراتب سالمتر از شوهران و مردان خانه زندگی می کنند ، فعالیت خانه داری یک حسن دیگر نیز دارد و آن (کمک بزیبائی بانوان است) زیرا تحرک مؤثرترین عامل برای لاغر شدن بانوان است و کارهای خانه داری برای حفظ فرم زیبای بدن بانوان و ورزش مؤثر می باشد در مورد بانوان باردار نیز بثبوت رسیده که کارهای خانه داری که جانشین اقسام ورزش بشمار می آید کمک مؤثری در تسهیل زایمان میباشد .

(مجله تندرست شماره ۳ سال ۲۰)

مخالفت

## با احادیث مهدی موعود

از کجا سرچشمه گرفته ؟

در شماره سابق یاد آور شدیم که روایات اهل تسنن راجع به مهدی موعود اسلام که از دودمان پینمبر اکرم و امیر مؤمنان و حضرت زهراء علیهم السلام میباشند ، بحد «تواتر» رسیده است . باین معنی که ملاحظه آن همه اخبار که در کتب معتبر آنان در این باره وارد شده ، تردیدی برای کسی باقی نمی گذارد که ظهور چنین موعودی نزد اهل تسنن قطعی است و جای شك و تردید نیست .

با وجود این ، بسیار جای تأسف است که برخی از افراد آنان صرفاً باین جهت که جامعه شیعه ، مهدی موعود را امام دوازدهم خود میدانند ، باین سلسله اشکال تراشیدها به رد و نقض احادیث صحیح و معتبر کتابهای مشهور خود پرداخته و تا سرحد انکار اصل موضوع گام برداشته اند !

### مخالفین این طرز فکر چه کسانی هستند ؟

تا آنجا که ما تحقیق کرده ایم در عصر اخیر سه تن از علمای مصر بیش از همه در این زمینه اصرار ورزیده و افکار اهل تسنن و سایر مردم را نسبت بموضوع «مهدویت» مشوب ساخته اند . این سه تن فرید و جدی و سعد محمد حسن ، و احمد امین هستند که به ترتیب در کتابهای خود «دائرة المعارف» ماده «سلم» و «مهد» و «المهدیه فی الاسلام» و «المهدی والمهدویه فی الاسلام» و «ضحی الاسلام» با کمال بی انصافی و با دیده بدبینی با احادیث مهدی موعود اسلام نگریسته اند .

این عده چنانکه خود اعتراف دارند ، تحت تأثیر نوشتهها و طرز تفکر دو تن از علمای پیشین و معروف خود یعنی ابن حزم اندلسی و ابن خلدون مغربی قرار گرفته اند ، بطوریکه باید گفت جز تکرار گفتار آنان متاعی بی بازار نیآورده اند . از اینرو ما نیز در این مورد توجه خود را فقط بسختان و معرفی این دو دانشمند مشهور سنی معطوف میداریم .

### ابن حزم اندلسی

بنظر ما و بر اساس بررسیهایی که نموده ایم ؛ زمزمه مخالفت با موضوع مهدویت و اینکه مهدی موعود اسلام فرزند امام حسن عسکری (ع) است ، از ابن حزم اندلسی متوفای سال ۴۵۶ هجری سرچشمه گرفته است . چه وی در کتاب «الفصل» که در عقائد و مذاهب نوشته است ، طبق

روش ناپسند خود؛ اعتقاد شیعه را نسبت بمسئله امام زمان و مهدی آل محمد صلوات الله علیه سخت مورد نکوهش قرار داده و تهمت‌هایی ناروا در این خصوص از خود بیادگار گذارده است. بگفته ابن حجر عسقلانی دانشمند نامی اهل تسنن در «لسان المیزان» جلد ۴ صفحه ۱۹۸، ابن حزم در آغاز کار وزیر خلیفه اموی اندلس بود، سپس ترك منصب گفت و به تحصیل علوم دینی پرداخت. نخست پیرو مذهب مالکی بود، سپس شافعی شد، و بعد بمذهب داود ظاهری رئیس اخباریان سنی گروید، و سرانجام بواسطه طغیان روحی و استبداد رأی و جمود فکری از همه برید و دم از استقلال و برتری نسبت بر رؤسای چهار مذهب زد! و در کتابهای خود با همه آنها در افتاد و نظریات و آراء عجیبی اظهار داشت...

فقهای اهل تسنن نیز او را گمراه دانستند، و شدیداً مورد سرزنش و تنبیخ قرار دادند. مردم را از تماس با وی بر حذر داشتند، کتابهایش را تحریم کردند و حتی در ملاعام طعمه حریق ساختند. از سخنان معروف ابن حزم یکی اینست که میگوید: «ابن ملجم قاتل حضرت امیر مؤمنان (ع) در کشتن آنحضرت به اجتهاد خود عمل نموده و از اینرو مسئول و گناهکار نیست!!» بنا بر این سخنان ابن حزم با چنین طرز فکری که دارد، درباره امام زمان شیعه چیزی نیست که قابل بحث و بررسی و جوابگویی باشد، و چه بهتر که پاسخ او را بخود اهل تسنن محول کنیم.

### ابن خلدون

دانشمند دیگری که با دیده بدبینی به روایات اهل تسنن درباره «مهدی موعود اسلام» نگاه کرده است «ابن خلدون» هم وطن ابن حزم و مورخ معروف اهل سنت متوفای سال ۸۰۸ هجری می باشد. ابن خلدون در کتاب «مقدمه» مشهور خود با اصرار زاید الوصفی افکار اهل تسنن را نسبت به واقعیت «مهدی موعود» آشفته ساخته است. این نمط‌های ناهنجار نیز مدرک تنی چند از نویسندگان معاصر و روشن فکر اهل سنت قرار گرفته و متأسفانه با نشر آن اذهان مسلمانان را از توجه باین حقیقت منحرف ساخته اند.

ابن خلدون در فصلی تحت عنوان «گفتگو درباره مرد فاطمی» ۲۳ صفحه را به بحث و بررسی قسمتی از روایات اهل سنت پیرامون مهدی آخر الزمان؛ اختصاص داده و به تفصیل در آن باره سخن گفته است. در صورتیکه روایات مهدی منحصر بچند حدیث مورد استشهاد وی نبوده است. تازه برخی از آن چند حدیث هم باضعیف و معمول است و یامبهم و نامفهوم می باشد و در نظر علمای شیعه نیز چندان قابل استناد نیست تا چه رسد بعلمای سنی آنهم ابن خلدون اشبیلی ۱.

ابن خلدون در بحث از «تصوف» نیز بدون تناسب عقیده شیعه را نسبت بائمه اطهار و موضوع مهدویت پیش کشیده و بالحن زنده ای بنظر خود تخطئه کرده است.

جالب ترین نکاتی که در بررسیهای ابن خلدون نسبت بموضوع (مهدی موعود) و در این عقیده دیده میشود سه چیز است که ذیلاً از لحاظ خوانندگان میگذرانیم:

۱ - میگوید محدث معروف اهل سنت محمد بن اسماعیل بخاری اخبار مهدی را در کتاب

«صحیح» خود نقل نکرده است .

۲ - نام مهدی در قرآن ذکر نشده است .

۳ - بعضی از روایات مهدی را محدثان نامی «ترمذی» در «صحیح» و «ابوداود» در «سنن» از عاصم بن ابی النجود نقل کرده اند که وی هم حافظه اش ضعیف بوده و از ابن علیہ نقل میکند که گفته است «هر کسی نامش «عاصم» است ، بد حافظه است» و یحیی قطان گفته است : هر مردی را بنام «عاصم» یافتیم بد حافظه بود ! ! .

### چرا اخبار مهدی در صحیح بخاری نیامده ؟

در پاسخ مطلب نخست توضیح میدهم که طبق نوشته خطیب بغدادی و دیگران ، بخاری در ضبط و حفظ حدیث لا ابالی و بی قید بود، و صحیح او را بعد از مرگش پاک نویس و تهذیب کردند . ابن حجر در «فتح الباری» شرح صحیح بخاری» گفته است علماء ۱۱۰ حدیث بخاری را مورد انتقاد قرار داده و ۸۰ نفر از او یاران او را ضعیف و غیر قابل اعتماد بشمار آورده اند ! (۱)

ثانیاً بگفته حاکم نیشابوری محدث مشهور سنی در «مستدرک» جلد ۱ صفحه ۳ بخاری نگفته است : هر حدیثی که در «صحیح» او نبود صحیح نیست . ثالثاً پیشوای محدثین اهل سنت، احمد حنبل قسمتی از اخبار مهدی موعود را در «مسند» خود نقل کرده است .

«وسبکی» در «طبقات الشافعیه» جلد ۱ صفحه ۲۰۱ مینویسد : «مسند احمد حنبل یکی از پایه های معتقدات مسلمانان است» و «سیوطی» در مقدمه جمع الجوامع ، صاحب «کنز العمال» در جلد ۱ صفحه ۳ نیز مینویسد که **کلی مافی مسند احمد حنبل فهم مقبول** یعنی : آنچه در مسند احمد حنبل است مورد قبول اهل تسنن میباشد .

بعلاوه در سایر مصحاح و کتب معتبر اهل تسنن ده ها روایت صحیح و پر ارزش ، راجع بموضوع **مهدی آل محمد (ص)** آمده است ، که بگفته کنجی شافعی بحد تو اثر رسیده و جای شکی برای کسی نمیکند .

اکنون باید از ابن خلدون پرسید تکلیف این کتابها که احادیث «مهدی» را نقل کرده اند چیست ؟ آیا همه را باید بدور افکند و فقط صحیح بخاری را گرفت ؟ دشمنی بخاری با خاندان پیغمبر تا آنجاست که در «صحیح» خود از کسانی امثال معاویه ، سمره بن جندب ، مروان حکم ، عمرو عاص و عمر بن حسان خارجی ده ها روایت نقل کرده است ، ولی از امام حسن مجتبی نوه پیغمبر (ص) و امام صادق و امام موسی کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد ، حتی از امام هادی و عسکری علیهم السلام که هم عصر او بوده اند ، یک روایت هم نقل نکرده است ! علیهذا اینکه بخاری روایات مهدی موعود را نقل نکرده است ؛ خود دلیل روشنی است که تعصب بوی اجازه نمیداده روایات مهدی را که بفتح شیعه تمام میشده است در کتاب خود بیاورد .

(۱) برای اطلاع از چگونگی تدوین صحیح بخاری و ارزش روایات آن بکتاب «اضواء

علی السنة المحمدیه» ص ۲۴۷ مراجعه کنید .

### چرا نام مهدی در قرآن ذکر نشده ؟

باید از ابن خلدون و کسانی که این سخن بی مورد را از وی پذیرفته و نقل کرده اند پرسید: آیا اسامی خلفا در قرآن ذکر شده است ؟ آیا خصوصیات مناسک حج، و عدد رکعت های نمازهای پنجگانه و نصاب زکوة و امثال این واجبات و فرائض صریحاً در قرآن آمده است ؟ بدیهی است که جواب منفی است . قرآن بخصوص در اصول عقائد غالباً بمسائل کلی پرداخته است و جز در موارد استثنائی آنهم در فروع احکام و امور اخلاقی بذکر خصوصیات نمی پردازد . بعلاوه آیاتی در قرآن مجید هست که علمای واقع بین اهل تسنن هم دلالت آنها را بر وجود مهدی موعود اسلام و غیبت او و ظهور وی و اصلاح جهان بوسیله او پذیرفته اند ، و بخواست خداوند در جای خود شرح خواهیم داد .

### هر کس نامش «عاصم» است بد حافظه است !

ابن خلدون این مطلب را از ابن علیہ و یحیی قطان نقل میکند ، آنهم درباره دانشمند عالمقامی چون **عاصم بن ابی النجود** که امروز مسلمانان جهان قرآن مجید را طبق اسلوب متین و روش قرائت او میخوانند . جالب اینجاست که ابن خلدون در همین بحث از حاکم نیشابوری و ابونعیم اصفهانی و سایر بزرگان نقل میکند که عاصم را پیشوای علمای اسلام بشمار آورده و گفته اند تمام روایات او صحیح است ! و مفاخر اهل تسنن او را در نقل حدیث راستگو میداند !! بنا بر این باید دید چرا «عاصم» با دقتی که در حفظ نکات قرائت قرآن و روایات مربوط بان داشته ، وقتی با حدیث مهدی رسیده ، بد حافظه شده است ؟ و باید دید ابن علیہ و یحیی قطان درباره سایر علما که نامشان «عاصم» بوده است هم این حرف را زده اند ؟ بدیهی است که اگر «عاصم بن ابی النجود» روایات مهدی خاندان پیغمبر (ص) را نقل نمیکرد ، دچار این بد حافظه گی نمیشد !

### اعتراف و بدبینی

ابن خلدون در آغاز فصلی که درباره «مرد فاطمی» باز کرده و در پیرامون روایات آن قلمفرسائی نموده است مینویسد :

«بدانکه مشهور میان تمامی ملت اسلام در گذشت اعصار این بوده که باید در آخر الزمان مردی از اهلیت پیغمبر (ص) ظهور کند و دین اسلام را تأیید نماید ، و عدالت عمومی را آشکار سازد ، و مسلمانان از وی پیروی کنند ، و او بر کشور های اسلامی تسلط یابد ؛ این مرد «مهدی» نامیده شده است ... علمای اهل سنت در اثبات این مطلب استدلال با حدیثی میکنند که پیشوایان محدثین نقل کرده اند !! و با این وصف جای تعجب است که چگونه وی موضوع مشهور و مورد توجه پیشوایان علمای سنت و جماعت را نادیده گرفته . و از پذیرفتن این حقیقت سر باز زده است ! البته از این حزم و ابن خلدون که مرد و از مردم اندلس (اسپانیا) و در قلمرو نفوذ بنی امیه و آخرین نقطه دنیای اسلام بسر برده اند و تماسی با طرز فکر شیعیان درباره مهدی موعود و ذخائر علمی شرق اسلامی نداشته اند ، نباید بیش از این توقع داشت .

## استعمال مسواک در اسلام

در مجله اخبار پزشکی در بخش تازه‌های دندانپزشکی ( شماره هشتم فروردین ۱۳۶۶ ) که با همکاری دانشکده دندان پزشکی تنظیم میگردد مقاله‌ای در باره اهمیت « مسواک کردن در اسلام » تحت عنوان « استعمال مسواک (۱) در اسلام » نگاشته شده که از نظر اهمیت موضوع بدرج آن مبادرت میگردد . هر موقعیکه تاریخ بهداشت دهان و دندان مورد مطالعه قرار میگردد استعمال مسواک بوسیله پیروان اسلام ، ، جای‌همی در اسباب و وسائل قدیمی و بسیار مؤثر بهداشت دهان دارد روزنیک Ravnik در یک مطالعه و بررسی روی بهداشت دهان و دندان در مشرق زمین گزارشی روی استعمال مسواک تهیه نموده .

« مسواک » يك كلمه عربی است که هم‌منای ما ساز دادن بایک چوب جنکلی سفت و هم‌معنای خود چوب مورد استعمال برای این منظور امیدهد این چوب بطور متوسط یک سانتیمتر قطر دارد معمولاً از ساقه و ریشه های سالوادرا پرسیکا Savadora - persica گرفته و تهیه میشود این گیاه بصورت بوته در قسمتی از خاورمیانه مخصوصاً در اطراف مکه ، پیدا میشود این چوب هم چنین ممکن است از درخت‌های نخل یا زیتون تهیه شود .

قبل از اینکه مسواک مورد استعمال استفاده قرار گیرد آنرا بمدت ۲۴ ساعت یا بیشتر در آب می‌خیسانند تا فیبر ورشته‌های آن از هم مجزاشود ، سپس مسواک مزبور امیزند تا آنجائیکه پوست روی آن کنده و خارج شود .

رشته‌های مسواک دارای بی‌کربنات سدیم و یک ماده روغنی میباشد ، شاگردان علوم اسلامی عقیده دارند که این ترکیب روغنی لثه‌های اطراف دندان را محکم و تقویت می‌کند .

مراسم مذهبی و عبادات چندی وجود دارد که هر مسلمانی مجبور است پیروی کرده و انجام دهد ، ولی استعمال مسواک اختیاری میباشد . در قرآن کریم صحبتی از استعمال مسواک نشده است ولی در احادیث پیامبر اسلام حضرت محمد است ، در بعضی احادیث صحبتی از استعمال مسواک بمیان آمده است برای مثال می‌گوید :

و اگر برای پیروان و امت من سخت نبود دستور میدادم که هر کس مسواک را بعد از هر نماز استعمال نماید .

محدثان اسلامی مانند نسائی و هم‌چنین احمد حنبل در کتابش بنام « مسند » ذکر کرده اند که حضرت محمد مسواک را بعد از بیدار شدن هنگام صبح ، قبل از استراحت ، و هر موقعیکه وارد

(۱) منظور چوب معروف (اراک) است

خانه‌میشد یا خارج‌میشد استعمال میکرد مسواک را نیز هم چنین در طول ماه مبارک رمضان در هنگام صبح یا شب و هنگام نماز استعمال میکنند .

موقعیکه شخصی بدون دندان است استعمال مسواک را قطع می‌کند و انگشت سبابه را برای ماساژ بافت‌های باقیمانده روی استیغ فك بکار میبرد .

روش و تکنیک استعمال مسواک بدین قرار است، مسواک آماده شده را مقابل لثه‌های پائین قرارداد بطوریکه رشته‌های آن بطور افقی قرار گیرد؛ سپس آن را بطور گردشی و دورانی حرکت داده تا به لثه‌های فك بالاتر حاصل نماید، سپس آن را مابین دندانها قرارداد و حرکت افقی به آن میدهند .

\* \* \*

نگارنده ۱۰ بیمار را که بطور مرتب مسواک را استعمال میکردند مورد مطالعه قرار داده و رشد و نمو بیرون آمدن مسنخ دندانهای آنها ابراز یون و سائیدگی مشخص در سطوح لبیان و بوکال با مقادیر مختلف از فرورفتگی نشان میداد .

مقدار کمی پوسیدگی دندانی وجود داشت و ۲ نفر از بیماران دندانهای کاملی بعد از سن ۷۰ سالگی داشتند .

معلوم نشده است که آیا اعراب پیش از اسلام ، مسواک را استعمال میکردند ، یا خیر ، ولی محققاً حضرت محمد از ش مسواک را آشکار کرد و به پیروانش اصرار نمود که آنرا استعمال نمایند .

## گام دیگری در راه معرفی شیعه

در شماره مخصوص سال هفتم مجله مقاله جامعی در باره معرفی مذهب

شیعه به زبان زنده دنیا فارسی ، عربی . انگلیسی انتشار یافت که چون بسبک

تاز و کاملاً جالب تهیه شده بود همه جا با استقبال فوق العاده مواجه گردید و از

نقاط مختلف کراراً با پیشنهاد کردند که این مقاله بطور مستقل چاپ و انتشار یابد

اخیراً به برداشتن این گام مؤثر و مفید توفیق یافتیم و تعداد ۴۵۰۰ نسخه

از مقاله مزبور را پس از تجدید نظر و تکمیل : بچهار زبان ( فارسی ، عربی ،

انگلیسی ، و ترکی استانبولی ) چاپ نموده و رایگان در اختیار عموم

قرار داده‌ایم

نسخه‌های عربی آن در کشورهای عربی ، نسخه‌های انگلیسی در

کشورهای اروپائی و آمریکائی منتشر میشود فارسی و ترکی آن در نقاطیکه

مجله مکتب اسلام

بزبان فارسی و ترکی آشنائی دارند



# دانشمند عالیقدر آقای چرندابي

## در گذشت

در آستانه سال نو (اواخر اسفندماه سال ۴۵) جهان اسلام و شیعه یکی از خدمتگزاران صدیق و واقعی خود را از دست داد، خدمتگزاری که متجاوز از پنجاه سال با بیان شیوا و قلم توانای خود به جامعه مسلمانان خدمات ارزنده ای نموده و از حریم عقائد اسلام سرسختانه دفاع علمی و مؤثر کرده و آثار گرانبهائی از خود بیادگار گذاشته است.

او به صدق فرمایش حضرت صادق (ع) **العالم بزمانه لا تهجم علیه الموابس** روح زمان را درک کرده و خطرات بزرگی را که از طرف دشمنان اسلام متوجه آن بود، بادل آگاه خود، احساس نموده بود و همواره در محیطی که میزیست بسان یک سر باز شبها و خطراتی را که متوجه اسلام میشد، دفع مینمود، و جمعی را از این طریق از چنگال الحاد و بی دینی نجات می داد.

او در متابعت و محقق بودن بود، کمتر کتابی را بررسی میکرد؛ مگر اینکه در اطراف و حواشی آن تذکرات و تمایلیق سودمندی مینوشت.

فقید نامبرده آثار علمی ذیقیمتی از خود بیادگار گذاشت که نمونه ای از آن همراه با زندگانی حضرت محمد (ص) نگارش «کار لایل انگلیسی» چاپ شده است.

## ضایعات اسف انگیز دیگر

سه ضایعه اسفناک دیگر در ماه گذشته در ورشت، و شیراز، و مشهد، روی داد که مایه تأسف عموم گردید.

نخست فوت عالم ربانی حجة الاسلام والمسلمین .. آقای صادق از علمای بنام شهرستان ورشت بود که در نزد عموم طبقات بخصوص جامعه روحانیت احترام خاصی داشت، آن فقید سعید شاگردان فراوانی تربیت نمود و آثار باارزشی از خود بیادگار گذارد مراسم تشییع و مجالس فواتح معظمه باشکوه فراوان برگزار گردید.

\* \* \*

ضایعه دیگر فوت غم انگیز حجة الاسلام والمسلمین آقای سید حسام الدین فال اسیری در شیراز پس از یک کسالت ممتد و طولانی بود مرحوم فال اسیری از روحانیین فعال و متحرکه استان فارس بود مخصوصاً کوشش فراوانی برای احیای دو مدرسه علوم دینی مبذول داشت و تا آخرین نفس در این راه فعالیت مینمود.

در آخرین روزهای که مجله زیر چاپ بود از مشهد اطلاع رسید که جهان روحانیت، یکی دیگر از شخصیتهای باارزش خود یعنی حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مجتبی قزوینی را از دست داد، مردی که بحق نمونه بارزی از تقوی و فضیلت، روحانیت و معنویت بود و عمری را در راه خدا و دعوت مردم بسوی حق و حقیقت گذراند معظم له یکی از مدرسن عالی مقام حوزه علمیه مشهد بود؛ آثار گرانبهائی و نفیسی مانند بیان الفرقان در ۵ جلد از خود بیادگار گذارد که از مقامات علمی آن مرد بزرگ حکایت میکند.

این ضایعه های روحانی را بموم طبقات بخصوص جامعه روحانیت تسلیم میگوئیم.

کتابهای تازه

بخش اول : اسامی و خصوصیات کتابهاییکه از طرف مؤلفین و ناشرین

محترم اهداء شده است .

دارالکتب الاسلامیه تهران شامل عقائد و نظریات حکمای یونان درباره ماده و روح و نظریه دانشمندان غرب درباره ماده و پیدایش موجودات و مکتبهای فلسفی اسلامی و تحقیقات آنها در قوای، عنوی انسانی .

۵ - جهان بینی و جهان اندازی علی علیه السلام : تألیف سید ابراهیم علوی ؛ زرکوب، وزیري ۴۰۹ صفحه از انتشارات مؤسسه مطبوعاتی فراهانی تهران ، مسائل متنوع و گوناگونی از اصول عقائد و مسائل اجتماعی اسلام که در گفتارها و تعالیم امام علی بن ابیطالب (ع) آمده است .

۶ - ساعات الفراغ : نگارش محمد مهدی آصفی شمیم جیبی ۲۹ صفحه از انتشارات مطبوعه آداب نجف اشرف ( بررسی کوتاهی در پیرامون اینکه در عصر حاضر اوقات فراغت را چگونه باید گذراند؟ ) .

۷ - پس از جستجوی حقیقت مجموعه انتشارات در راه حق ، شمیم، جیبی ۹۱ صفحه از انتشارات ( در راه حق ) يك رشته بحثهای تحلیلی در پیرامون آداب و رسوم و افکار مسیحیت و انجیلیهای چهار گانه و بیان نقاط ضعف و تناقضها و نواقص آنها .

۱ ( الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية : تألیف فقید بزرگ شیعیه شهید ثانی با مقدمه ای از سید محمد کلانتر - و مقدمه جالب و به سبوط دیگر از محمد مهدی آصفی ، در پیرامون ادوار فقه شیعیه و شرح حال شهید اول و شهید ثانی زرکوب ، وزیري در ۳۹۳ صفحه؛ جلد اول از انتشارات جامعه الجف الدینیة، متن جامعی از فقه امامیه .

۲ - هیئت در مکتب اسلام : تألیف سر تپ سید باقر هیوی ۳۶ صفحه از انتشارات کتابفروشی اسلامیة تهران، بحث در پیرامون آیات و روایاتی که از سازمان و نظام کرات آسمانی سخن گفته اند و بررسی آن از نظر هیئت و نجوم جدید .

۳ - احکام حج و اسرار آن تألیف سر هنک حاج حسن بیگلری ، زرکوب وزیري ۴۰۴ صفحه از انتشارات چاپخانه بانک تهران ( در باره سوابق تاریخی شهر مقدس مکه ، آداب و مراسم و اعمال حج و اسرار آن )

۴ - عالم ارواح نگارش محمد تقی یوسفی همدانی شمیم رقی جلد اول ۱۴۳ صفحه جلد دوم ۸۷ صفحه از انتشارات -

توضیح

در مقاله «مشخصات اقتصاد اسلامی» (شماره سوم سال هشتم) ذکر کردیم در باره «اراضی مفتوح العنوه» آمده است . منظور از آن ، سرزمینهایی است که وسیله جهاد مسلح اسلامی بدست مسلمانان افتاده و در آن روز آباد بوده است مانند قسمتی از اراضی غرب ایران و عراق و پاره ای از کشورهای دیگر .

بخش دوم : کتابهاییکه از طرف علاقمندان بدین فرهنگ به کتابخانه عمومی مکتب اسلام اهداء شده است

آقای مجید نادری از کرمانشاه	۳ جلد	آقای جلال جعفری از تهران	۱ جلد
د باقر نادری	د ۱	د غلامرضا فرخ نژاد از خوی	د ۱
د منصور سینی	د ۱	د فرهاد تحویل داری	د ۱
د بهروز یزدی	د ۱	د محمد بلالی از شهمیرزاد	د ۳
د سید رضا موسوی خوئی از تهران	د ۱۵	د کاظم وحید یزدی از یزد	د ۲
د محمد مصباح از آبادان	د ۱۲	د علی عدالت منش از ورامین	د ۲
د فغفوری از تهران	د ۸	د بقائی	د ۱۰
د محمد علی اسلامپور از همدان	د ۱	د سید مرتضی قطب از دزفول	د ۱۴
د محمد ستاری وفائی از تبریز	د ۱	د یحیی سلیمی از توسرکان	د ۱
د محمد خلیلی از مشهد	د ۷	د خیر الله سلیم	د ۱۴
د حسین رحیمی از مشهد	د ۶	د حاج شیخ محمد رضا اعدادی از مشهد	د ۲
د مجتبی اسلامی از بجنورد	د ۱	د مسعود سعادت ملی	د ۶
د حسین زما نژاد	د ۱	د توکل از نیریز	د ۱
د وزارت اوقاف کویت	د ۲۱	د سید مجتبی حسینی از میانه	د ۱
آقای خلیل جهانمیر از شیراز	د ۵	د عباس لطفی از تهران	د ۱
د کاظم حق بجانب از فسا	د ۹	د کر بلائی عبدالله ترکاشوند از اشترتل	د ۱
د اکبر کریمیان از بجنستان	د ۵	د ورثه مرحوم حاج علی عسکریان	د ۱
د عباسعلی عشقی مشکینی	د ۳	د ازینیاوران	د ۱
		د کانون ندای اسلام	د ۱

(بقیه از صفحه ۵۶)

من اهل التفات یعنی : دانش درست و نافع ، گمشده مؤمن است ، در تحصیل آن بکوش ، ولو آنکه نزد افراد بی دین باشد (۱) .

\* \* \*

بنابراین ، همانطوریکه در بررسی اجمالی گذشته دیدیم ، اسلام ، با واجب ساختن تحصیل دانش ، بر فرد فرد افراد ملت ، و حرام شمردن احتکار دانش ، برای تحصیل کرده ها ، و ناچیز شمردن مشکلات مادی در راه پیشرفت علمی ، و برداشتن مرزها و موانعی که در سر راه تحصیل دانش ، چه از لحاظ زمان و مکان ، و چه از لحاظ معلم و متعلم ، وجود داشته ، بزرگترین ، پیکار را علیه بیسوادی و نادانی ، نموده است .

(۱) نهج البلاغه عبه ج ۳ ص ۱۶۸ .